

پیرامون خطر حمله به ایران و ظرفیت های باقی مانده انقلاب ۵۷ در ایران

بیانیه ها و هشدارهای چند پهلوی همان بهتر که صادر نشوند!

هر حزب، سازمان سیاسی و حتی فرد سیاسی می تواند و حق دارد هرگونه که می داند و درک می کند، نسبت به گذشته جمهوری اسلامی، امروز جمهوری اسلامی و فردای ایران با جمهوری اسلامی و یا بدون جمهوری اسلامی بیانیشود. نه تنها حق دارد و می تواند، بلکه لازم است تحلیل و ارزیابی خود در این زمینه را با صراحت اعلام و تبلیغ کند. ما، تا اینجا با هیچ فرد و شخص و سازمان و حزبی که چنین سمت گیری، درک و صراحتی را داشته باشد، بر سر راه و روش بیان نظرات آنها بحثی نداریم، اگر بحثی باشد - که قطعاً هم هست- بر سر تفاوت دیدگاه ها و درک اوضاع پیچیده ایران است، که این نیز نباید مانع تفاهم بر سر عام ترین نظرات مشترک در باره شرایط حاکم بر کشور و همکاری بر محور همان نقاط مشترکی باشد که می توان آنها را یافت و تبدیل به حلقه همکاری کرد.

بنابراین، گفتگو و بحث بر سر "تحلیل اوضاع"، "صراحت بیان"، "یافتن نقطه نظرات مشترک" و "حلقه های پیوند" برای همراهی و همگامی است. آیا این چهار عنصر از سوی همه سازمان های سیاسی و افراد سیاسی مراعات می شود؟ مثلاً؛ همه با صراحت می گویند که پیرامون اوضاع امروز ایران چگونه می اندیشند و بر مبنای چه پایه تحلیلی به این و یا آن نظر رسیده اند؟

مشکل از همینجا آغاز می شود. یعنی در میان احزاب و سازمان های سیاسی صراحت بیان مراعات نمی شود. ما در اینجا می خواهیم بر سر گرهی ترین مسئله امروز ایران بنویسیم. یعنی مسئله فعالیت های اتمی و یا دستاوردهای اتمی ایران و خطر حمله نظامی به ایران و این که آیا همه اعلامیه ها و اطلاعیه هایی که در این زمینه صادر می شوند آن صراحتی که ما معتقدیم تا وجود نداشته باشد، نیروئی را نمی توان بسیج کرد، مراعات می شود؟ و اگر نمی شود، دلیل آن چیست؟

حداقل در هفته های اخیر، انواع بیانیه ها و هشدارها پیرامون خطر حمله به ایران منتشر شده است. این که چرا نتوانستند تشکیل دولت نظامی و ترفند تبلیغاتی هولوکاست و ریشه های سیاست بستن شدیدتر فضای سیاسی ایران را بسیار جلوتر از امروز و در همان ابتدای روی کار آمدن احمدی نژاد و بحث های مربوط به کابینه وی درک کرده و اعلام کنند و یا چرا خطر حمله نظامی به ایران را تا همین اواخر یک کارزار تبلیغاتی و "جنگ روانی" می دانستند و اندک باورمندان این خطر را به هیجان سازی متهم می کردند و انواع مسائل حاشیه ای دیگر را نه می خواهیم در اینجا به بحث بگذاریم و نه هدف این سرمقاله کوتاه چنین است. ما فقط می خواهیم بنویسیم و بپرسیم که آیا همه بیانیه ها و اطلاعیه های هشدار نسبت به حمله نظامی به ایران و مسائل اتمی ایران دارای صراحت کلام هستند؟ و اگر نیستند چرا؟ تقریباً تمام اطلاعیه هایی که در این ارتباط صادر و منتشر شده اند، از مرز کلی گوئی فراتر نمی روند. یعنی هشدار نسبت به خطر حمله، و حداکثر، مخالفت صریح با سیاست امریکا برای حمله به ایران. اما، این هشدارها و بیانیه ها هرگز پایشان به زمین ایران نمی رسد، بلکه عمدتاً هوائی اند و به همین دلیل نیز نمی توان مخالفت با حمله نظامی و مقابله با سیاست امریکا از جانب آنها را چندان جدی تلقی کرد. یعنی این بیانیه ها و هشدارها حامل راه حل و چاره اندیشی روی زمین ایران نیستند و از مرز کلی گوئی فراتر نمی روند. دلیل آن روشن است، به محض آنکه بخواهند این نوع بیانیه ها و اطلاعیه ها را زمینی کنند، باید نسبت به شرایط سیاسی ایران و حاکمیت جمهوری اسلامی بیان نظر کنند، جبهه ای را برای مقاومت و مقابله اعلام کنند، نیروهائی را برای پیوستن به جبهه فراخوانند و... سرانجام با بخشی از

حاکمیت و پیرامونیان آن که اتفاقاً آنها نیز مخالف سیاست حاکم در جمهوری اسلامی هستند سخن بگویند و آنها را به این جبهه فرا بخوانند و مقابله با سیاست حمله نظامی به ایران و سیاست جنگی- اتمی حاکم در جمهوری اسلامی را در وسیع ترین توان ممکن بسیج کنند. مشکل آن بیانیه ها و این احزاب و سازمان ها از همینجا آغاز می شود. یعنی، به محض آنکه بخواهند بیانیه و اعلامیه شان را از آسمان به زمین بیاورند، باید با بخشی از حاکمیت و پیرامونیان آن هم صحبت شوند و آنها را مخاطب قرار دهند. چون سیاست و منش آنها یا کج دار و مریز و نشستن میان چند صندلی است تا ببینند روی کدامیک می توانند محکم تر نشست، یا از بن مخالف انقلاب ۵۷ و طرفدار سرنگونی جمهوری اسلامی به هر قیمتی هستند و رفرم و اصلاحات را ناممکن می دانند، نمی توانند با بخشی از حاکمیت و پیرامونیان حاکمیت هم کاسه و هم سخن و هم جبهه شوند. نتیجه این منش سیاسی را ما هم در جریان اصلاحات، هم در مقابله با دولت خاتمی و شخص او، هم در انتقاد و جبهه گیری در برابر مجلس ششم و حتی در جریان تحریم های صریح و نیمه صریح چند انتخابات دوران اخیر در جمهوری اسلامی شاهد بوده ایم. آنها بیم دارند و از ورود به این عرصه هراس دارند، زیرا زندگی با رویاها و آرزوها را به گشودن چشم و دیدن صحنه واقعی که در برابر دیدگان است ترجیح می دهند.

هر خواننده این متن کوتاه، اگر با مواضع گذشته راه توده آشنائی نداشته باشد و یا برای نخستین بار این سرمقاله را خوانده باشد و یا حافظه پرتوانی نداشته و خوانده های گذشته خود در راه توده را فراموش کرده باشد، می تواند بپرسد: شما چه می گوئید؟
راه توده می گوید:

۱- امروز، محور رویدادها و تحولات در ایران، بر پایه سرنگونی جمهوری اسلامی قرار ندارد.

۲- هنوز، علاوه بر پتانسیل بسیار بالائی که متاثر از انقلاب ۵۷ در سطح جامعه وجود دارد، در حاکمیت و پیرامون آن نیز اثرات انقلاب ۵۷ باقی است و تا این اثرات باقی است، هنوز نمی توان و نباید حکم به پایان قطعی و مرگ آن انقلاب داد. و این در حالی است که حتی انقلاب های شکست خورده نیز تاثیراتی را از خود بر جای می گذارند.

۳- ما مخالف سر سخت هر نوع دخالت نظامی و سیاسی امریکا و دیگر قدرت های جهانی در امور داخلی ایران- حتی در صورت تولید بمب اتم در ایران- هستیم و آن را نقض استقلال کشور می دانیم.

۴- ما مخالف سیاست نظامی- اتمی حاکم شده بر جمهوری اسلامی هستیم و آن را سیاستی ماجراجویانه و غیر ملی می دانیم و پیرامون دلائل اتخاذ این سیاست نیز در شماره های گذشته راه توده - از ریاست جمهوری احمدی نژاد تا کنون - دیدگاه های خود را اعلام داشته ایم.

۵- ما طرفدار تشکیل یک جبهه سیاسی، بر محور فوری ترین نیاز امروز ایران هستیم. یعنی "جبهه صلح و آزادی" و همچنان اعتقاد داریم که بخش مهمی از نیروی این جبهه از دل حاکمیت و پیرامون آن بیرون آمده و در کنار دیگر نیروهای سیاسی مملکت در برابر ماجراجویان، جنگ طلبان، طرفداران حکومت نظامی و... قرار خواهد گرفت. تغییر ساختار کنونی نظام نیز از دل این مبارزه واحد و جبهه ای بیرون خواهد آمد.

۶- اعتقاد داریم، این جبهه، با همین شعار و یا مضمون این شعار، هم در برابر امریکا و قدرت های دیگر جهانی که حمله نظامی به ایران و یا تکه پاره کردن ایران و یا زدوبند با ارتجاعی ترین بخش حاکمیت را تدارک دیده اند می ایستد و هم در برابر حاکمیت و سیاستی که ایران را به سمت فاجعه می برد و می خواهد آخرین وظیفه خود را بعنوان گورکن انقلاب ۵۷ ایفاء کند.

بر سر جزء جزء این ۶ محور می توان گفتگو کرد، اما به آن شرط که با صراحت اعلام نظر شده و آن چهار اصل مورد تاکید در بالا نیز رعایت شود.

راه توده ۱۲۵ ۵,۰۳,۲۰۰۷

راه توده